

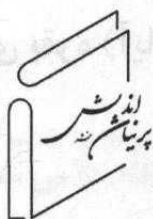
تفسیر المیزان (المیزان فی تفسیر القرآن)

جلد ششم

سوره‌ی مبارکه‌ی بقره (آیات ۸۹ تا ۱۰۷)

نوشته: علامه فقید سید محمد حسین طباطبائی

ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی



مفسر: اسم‌زان (المیزان فی تفسیر القرآن)

جلد ششم - دوره: مبارکه‌ی بقره (آیات ۸۹ تا ۱۰۷)

نوشته: علامه سید محمدحسین طباطبائی

ترجمه: سید محمدحسین موسوی همدانی

ناشر: پرنیاز اندیش

چاپ اول: ۱۳۹۸

طراح صفحات: عصمت گداز

طراح جلد و مدیریت چاپ: مهندس سپهر انصاری ۰۹۱۲۵۲۷۹۰۱

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۱۱۴

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۶۴-۲۴-۰

ارزش: ۲۸۰۰۰ تومان

نشانی: تهران - پاسداران - اختیاریه - یزدانیان یکم پ ۱ - تلفکس: ۰۲۱-۲۲۵۶۹۲۷۴

نشانی زاهدان: امیر المومنین ۲۷ - مجتمع قصر - ۳۳۲۵۲۳۳ - ۰۵۴

Tabatabai, Sayyed Muhammad Husayn

عنوان و نام پدیدآور: تفسیر المیزان (المیزان فی تفسیر القرآن) / نوشته

مشخصات نشر: تهران: انتشارات پرنیان اندیش، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ج.

شایک: ۱: ۹۷۸-۷۰۰-۸۲۳۹-۶۰-۴۱: ۲: ۹۷۸-۷۰۰-۸۲۳۹-۶۱-۱

ج ۳: ۷۱-۸۲۳۹-۷۰۰-۹۷۸-۶۰۰ ج ۴: ۷۱-۸۲۳۹-۷۰۰-۹۷۸-۶۰۰

978-722-7774-24-0 : 7 ج - 978-722-774-23-3 : 5 ج

978-722-7774-27-4 :A - 978-722-7774-20-7 :V

978-722-7778-28-8 : 1 - 978-722-7778-27-1 : 9

وضعیت فهرست نویسی: فی

یادداشت: ج. ۵ - ۱۰ (چاپ اول: ۱۳۹۸) (فیه).

منزلجات : ج. ۱: سوره‌ی مبارکه‌ی حمد، سوره‌ی مبارکه‌ی بقره (آیات ۱ تا ۲۵).

ج. ۳. سوره‌ی مبارکه‌ی بقره (آیات ۲۶ تا ۳۴) - ج. ۴. سوره‌ی بارکه‌ی بقره (آیات ۳۵ تا ۴۸)

ج. ۵. سوره مبارکه ی بقره (آیات ۴۹ تا ۸۸). - ج. ۶. سوره مبارکه ی بقره (آیات ۸۹

تا ۱۰۷). - ج. ۷. سوره مبارکه ی بقره (آیات ۱۰۸ تا ۲۹). - ج. ۸. سوره مبارکه ی

بقره (آیات ۱۳۰ تا ۱۵۷). - ج. ۹. سوره مبارکه‌ی بقره (آیات ۱۵۸ تا ۱۷۶). -

ج. ۱۰. سورہی مبارکہ ی بقرہ (آیات ۱۷۷ تا ۱۸۷)

موضوع: تفاسیر شیعہ -- قرن ۱۴

Qur'an -- Shiite hermeneutics -- ۲۰th century: موضوع

شناسه افزوده: موسوی همدانی، سید محمد باقر، ۱۳۰۴ - ۱۳۷۹، مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۹۰۴۱ م۲۵ ط BP۹۸/

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۷۲۶

شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۶۲۸۵۹

مقدمه.....	۹
روش تفسیری طبقات اول و دوم مفسرین.....	۲۱
روش تفسیری محدثین.....	۲۳
روش متکلمین در تفسیر قرآن و فرق بین تفسیر و تطبیق.....	۲۵
روش فلافه مشاء و اشراقی و متصوفه در تفسیر قرآن.....	۲۶
تفسیر در قرن حاضر و تفسیر قرآن بر مبنای علوم طبیعی و اجتماعی.....	۲۸
نظر مسلمانان نماهای قرآن و این روش درباره روایات.....	۲۹
نقص و انحراف مشترک تمام مسلک های تفسیری یاد شده.....	۳۰
عدم ابهام و اغلاق در مفسرین آیات و منشاء اختلافات.....	۳۱
علت سبقت معانی مادی آیات بر معنی شده به ذهن.....	۳۲
دلالیت الفاظ موضوعه با تغییر شکلی موضوع له تغییر نمی یابد.....	۳۴
جمود مقلدین از اصحاب حدیث به حواصر آیات و رد بر آنها.....	۳۵
دو راهی استفاده از علم برای درک حقائق قرآن و جمود به ظواهر آن.....	۳۶
دو روش برای فهم حقائق قرآن.....	۳۷
فرمایشات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره قرآن کریم.....	۳۹
ویژگی تفسیر المیزان.....	۴۱
سوره بقره.....	۴۳
بیان آیات، متضمن محاجه با یهود.....	۴۴
بحث روایتی (شامل روایاتی در ذیل آیات گذشته).....	۴۶
ادامه محاجه با یهود و اثبات دروغگونی آنان و ترسشان از مرگ.....	۵۴
(بصیر) یعنی عالم به دیدنی ها.....	۵۸
بهانه یهود برای عدم ایمان به قرآن: ما با جبرئیل دشمنیم.....	۵۸

- وجه بکار بردن التفات در آیه شریفه ۵۹
- بحث روایتی (شامل روایتی درباره دشمنی یهود باجبرئیل) ۶۱
- کیفیت خواب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ۶۲
- تفسیر آیه از نظر ما ۶۷
- کسی که دنبال سحر و ساحری برود بهره ای از آخرت ندارد ۷۱
- بحث روایتی (شامل روایتی در ذیل آیه ۱۰۲ و پیرامون سحر) ۷۲
- ماجرای شیطان و انگشتر سلیمان ۷۴
- داستان ستاره زهره و هاروت و ماروت ۷۵
- ذکر حدیث روایت و بیان ضعف سستی آنها ۷۶
- کرم در آب جعل حدیث ۷۷
- جواب حدیثی که در ضمن بیان این مطلب روشن می شود ۸۵
- کفایت و سحر، معجزه و کراهت و تفاوت آنها از جهت اراده ۸۶
- بحث علمی (در عایم حجاب و غرائب) ۸۷
- علوم خفیه پنج گانه و ملحقات آنها ۸۹
- مراد از (الذین آمنوا) در قرآن و تفاوت آن با (مؤمنین) ۹۱
- استفاده تفاوت مذکور از آیه (و الذین آمنوا و اتبعتم) ۹۲
- خطاب به (الذین آمنوا) تشریفی است و استعجاب تکلیف منافات ندارد ۹۵
- معنی کلمه (راعنا) نزد یهود ۹۶
- مراد از (اهل الکتاب) در آیه ۱۰۵ ۹۷
- معنی (نسخ) و مراد از (نسخ آیه) ۹۹
- مفهوم (آیت) و اقسام آیات الهی ۱۰۰
- اشاره به دو اعتراض بر مسأله نسخ ۱۰۲
- استنباط پاسخ آنها از آیه کریمه ۱۰۳
- پنج نکته پیرامون نسخ ۱۰۵

علامه سید محمدحسین قاضی طباطبایی تبریزی (زاده ۱۲۸۱ تبریز - درگذشته ۲۴ آبان ۱۳۶۰ قم) معروف به علامه طباطبایی، روحانی سرشناس، فیلسوف عظیم الشأن و نویسنده پرتلاش و ژرف اندیش ایرانی، از مراجع تقلید بزرگ شیعه و از مدرسان صاحب نام حوزه علمیه قم به شمار می‌آمد.

دوای کودکی و نوجوانی وی در تبریز سپری شد. در پنج سالگی مادر و در نه سالگی پدر خود را از دست داد. وصی پدرش، او و تنها برادرش محمدحسن الهی طباطبایی را برای تحصیل به مکتب فرستاد. تحصیلات ابتدایی شامل قرآن و کتب ادب پارسی را در آن وقت، سپس به تحصیل علوم دینی پرداخت. علاوه بر آموختن ادبیات، زیر نظر مدرّس اعجاز خطاط به یادگیری فنون خوشنویسی پرداخت. تحصیلات ابتدایی نتوانست به اوج سرشار و علاقه‌ی وافر او پاسخ گوید، بنابراین به مدرسه طالبیه تبریز منتقل شد. فراگیری ادبیات عرب، علوم نقلی، فقه و اصول پرداخت و به مطالعه در زمینه‌های گوناگون دانش اسلامی سرگرم شد. خود از دوران تحصیل چنین یاد می‌کند: «در اوایل تحصیل که به صرف و نحو اشتغال داشتم، علاقه‌ی زیادی به ادامه تحصیل نداشتم و از این رو هر چه می‌خواندم، نمی‌فهمیدم و چهار سال به همین نحو گذراندم. پس از آن یکباره عنایت خدایی دامن گیرم شده عوضم کرد و در خود یک نور شایع می‌دیدم و بی‌تابی نسبت به تحصیل کمال، حس نمودم. به‌طوری‌که از همان روز تا پایان ایام تحصیل که تقریباً هفده سال طول کشید، هرگز نسبت به تعلیم و تفکر درک خستگی و دلسردی نکردم و زشت و زیبای جهان را فراموش نموده و تلخ و شیرین حوادث، برابر می‌پنداشتم. بساط معاشرت غیر اهل علم را به کلی برچیدم. در خورد و خواب و لوازم دیگر زندگی، به حداقل ضروری قناعت

نموده باقی را به مطالعه می‌پرداختم. بسیار می‌شد به ویژه در بهار و تابستان که شب را تا طلوع آفتاب با مطالعه می‌گذراندم و همیشه درس فردا را شب پیش مطالعه می‌کردم و اگر اشکالی پیش می‌آمد با هر خودکشی بود حل می‌نمودم و وقتی که به درس حضور می‌یافتم، از آنچه استاد می‌گفت قبلاً روشن بودم و هرگز اشکال و اشتباه درس را پیش استاد نبردم.»

او همچنین همراه برادرش به نجف رفت و ده سال نیز در نجف به تحصیل علوم دینی مشغول شد. در این دوره، علوم ریاضی را نزد سید ابوالقاسم موسوی خواند. نوه‌ی سید ابوالقاسم خوانساری و فقه و اصول را نزد استادانی نظیر محمدحسین غروی اصفهانی فراگرفت. استاد وی در فلسفه، حکم، تالک، سید حسین بادکوبه‌ای بود. همچنین معارف الهیه، تفسیر قرآن به قرآن، حجت و فلسفه، عرفان، اخلاق و فقه الحدیث را نزد سیدعلی قاضی طباطبائی آموخت. او در آن که در نجف مشغول تحصیل بود، به علت تنگی معیشت و نرسیدن مقرری که از ملک زراعیشان در تبریز به دست می‌آمد، مجبور به بازگشت به ایران شد و مدت ده سال پس از آن را در روستای شادآباد تبریز به پیشه‌ی زراعت و کشاورزی روزگار گذراند. درباره‌ی این دوره از حیات پربار این استاد بزرگ دین و علوم اسلامی، فرزندش سید عبدالباقی طباطبائی چنین می‌گوید: «خوب به یاد دارم که پدرم دائماً و در تمام احوال مشغول فعالیت بود و کار کردن ایشان در فصل سرما حین ریزش باران در روزهای موسمی، در حالی که چتر به دست گرفته یا پوستین به دوش داشتند کاری عادی تلقی می‌گردید. در مدت ده سال بعد از مراجعت علامه از نجف به روستای شادآباد، و به دنبال فعالیت‌های مستمر ایشان، قنات‌ها لایروبی و باغ‌های مخروبه تجدید خاک و اصلاح درخت شده و در عین حال چند باغ جدید احداث گردید و یک ساختمان ییلاقی هم داخل روستا جهت سکونت تابستانی خانواده ساخته

شد. در محل زیرزمین خانه نیز حمامی به سبک امروزی بنا نمود. طبقه زیر این اتاق‌ها انبار آب شرب منزل بود که در صورت لزوم، بایستی به داخل خم شده و ظرف آب شرب را پر می کردیم. چون خانه فاقد آشپزخانه بود، پخت‌وپز هم در داخل اتاق انجام می‌گرفت. در حالی که مادر ما به دو مطبخ (آشپزخانه) ۲۴ متر مربعی و ۳۵ متر مربعی عادت کرده بود، که در میهمانی‌های بزرگ از آن‌ها به راحتی استفاده می‌کرد. پدر ما در شهر قم چند آشنای انگشت شمار داشت که یکی از آن‌ها سید محمد حجت کوه‌کمری بود. اولین رفت‌وآمد علامه به منزل آقای حجت بود و کم‌کم با اطرافیان ایشان دوستی برقرار و رفت‌وآمد آغاز شد. علامه طباطبایی هنگام ورود به قم به قاضی معروف بود، اما چون از سلسله‌ی سادات طباطبایی هم بر خود رجحان داد به طباطبایی معروف شود. با ظاهری ساده، عمامه‌ای کوچک و قبا به جای کرباس آبی رنگ و دکمه‌های باز قبا و بدون جوراب، با لباس کمتر از معمول در کوچه‌های قم تردد داشت و خانه‌ی بسیار محقر و ساده‌ای داشت. باز داستان زندگی در قم را از زبان فرزند این بزرگوار چنین می‌خوانیم: «همزمان با آغاز سال ۱۳۲۵ خورشیدی وارد شهر قم شدیم. در ابتدا به منزل یکی از بستگان که ساکن در مشغول تحصیل علوم دینی بود وارد شدیم، ولی به زودی در کوچه یخچال اصلی، در منزل یکی از روحانیان، اتاقی دو قسمتی که با نصب پرده قابل تفکیک بود، اجاره کردیم. این دو اتاق قریب بیست متر مربع بود.»

از رویدادهای مهم حیات فکری علامه طباطبایی در دوره زندگی در قم، آمدن هانری گربن از فرانسه به ایران و ملاقات با علامه طباطبایی در قم و تهران است. این ملاقات‌ها سبب شکل‌گیری حلقه‌ی فلسفی مهمی در آن دوران شد. به همت گربن، بسیاری از فلاسفه بعدی ایران معاصر، به همراه او در محضر علامه طباطبایی به فلسفه‌آموزی و طرح و درک مباحث عمیق فلسفی پرداختند.

کربن فیلسوفی هایدگری بود که در پی پاسخ‌های بی‌جواب خود، در نهایت سر از ایران درآورده بود تا در حضور علامه طباطبایی به عنوان مفسر فلسفه‌ی شیعی، پاسخ‌هایی برای پرسش‌های بی‌جواب خود بیابد. خود کربن اذعان داشت که علامه پاسخ‌های دقیق و قانع‌کننده‌ای به او می‌داده‌است. کربن هنگامی که به ایران آمد، با بسیاری از استادان ایرانی ارتباط برقرار نمود. با این حال، علاقه‌ی کربن بیشتر در جهت ارتباط با اساتیدی بود که به ادبیات، هنر و فلسفه ایرانی می‌پرداختند و نه افرادی که تحت عنوان «روشنفکر» شناخته می‌شدند و بیشتر هم‌اکنون ایرانیانی بودند که مدتی در غرب به تحصیل پرداخته بودند. کربن به شایع‌ترین عقیده‌ی باور داشت که حکمت ایرانی - اسلامی، حکمتی زوال‌ناپذیر است و همواره در «تعداد زوال‌ناپذیر روحیه ایرانی» سخن می‌گفت.

علامه طباطبایی خود باره‌ی مذاکراتش با کربن می‌گوید: «بنا به گفته کربن، تاکنون مستشرقان، ملاحظاتی مروط به اسلام را از اهل تسنن اخذ می‌کردند و در نتیجه، حقیقت مذهب تشیع از دونه که شایسته‌است، به دنیای غرب معرفی نشده‌است. بر خلاف باور مستشرقین گذشته، اعتقاد من این است که تشیع یک مذهب حقیقی و اصیل و پابرجاست. دارای مشخصات یک مذهب حقیقی است و غیر از آن است که به غرب معرفی کرده‌اند. آنچه پس از پژوهش‌های علمی بدان رسیده‌ام، این است که به حقایق معنوی اسلام - از دریچه شیعه - که نسبت به این آیین واقع بینانی دارد باید نگاه کرد. این در کوشیده‌ام این مذهب را به نحوی که باید و در خور واقعیت آن است، به جهان غرب معرفی کنم. بسیار علاقه‌مندم که با رجال علمی و مشاهیر این مذهب از نزدیک تماس بگیرم و با طرز فکر آنان آشنا شوم و در بررسی اصول و مبانی شیعه، از این بزرگان کمک گرفته و نسبت به هدف خود روشن‌تر شوم».

اهمیتی که تلاش‌های علمی علامه محمدحسین طباطبایی داشت، به جهت

زنده کردن حکمت، فلسفه و تفسیر در حوزه‌های گوناگون تشیع پس از دوره‌ی صفویه بوده است. به ویژه اینکه وی، به بازگویی و شرح حکمت صدرایی بسنده نکرده، به تأسیس معرفت‌شناسی در این مکتب پرداخت. همچنین با انتشار کتب فراوان و تربیت شاگردان، در دوران مواجهه با اندیشه‌های غربی، نظیر مارکسیسم، به اندیشه دینی حیاتی دوباره بخشید و حتی در نشر آن در مغرب زمین نیز کوشید. در اثر شاخص علامه طباطبایی بیش از دیگر آثار وی مورد توجه قرار گرفته است. نخست، کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم که دربردارنده ی ۱۴ مقاله‌ی فلسفی است و طی دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ خورشیدی نگاشته شد. این اثر که به کوشش شهید مرتضی مطهری با رویکرد فلسفه‌ی تطبیقی شرح داده شده، نخستین و یکی از بهترین کتاب‌هایی است که به بررسی مباحث فلسفی، با توجه به رویکردهای حکمت اسلامی و فلسفه‌ی جدید غربی پرداخته است.

دومین اثر، تفسیر المیزان است که در ۲۰ جلد و طی ۲۰ سال به زبان عربی تألیف گردید. نویسنده در این تفسیر، از روش تفسیر قرآن به قرآن بهره برده است. همچنین علاوه بر تفسیر آیات و بخش‌های لغوی، در بخش‌هایی جداگانه با توجه به موضوع آیات به مباحث روایی، تاریخی، کلامی، فلسفی و اجتماعی نیز می‌پردازد. این اثر که تاکنون به شکل‌های گوناگون، و به صورتی گسترده چاپ و منتشر گردیده، به صورت یکپارچه توسط سید محمد باقر موسوی همدانی از عربی به پارسی برگردانده شده است.

دیگر آثار علامه طباطبایی به زبان عربی از این قرار است: کتاب توحید که شامل ۳ رساله است؛ توحید، اسماء الله، افعال الله. کتاب انسان که شامل ۳ رساله است؛ الانسان قبل الدنيا، الانسان فی الدنيا، الانسان بعد الدنيا. کتاب رساله وسائط. همگی این رساله‌ها در یک مجلد جمع‌آوری شده و به نام کتاب هفت

رساله نیز معروف است. کتاب‌های رساله‌الولایه، رساله‌النبوه و الامامه، و نیز کتب بدایه‌الحکمه و نهایه‌الحکمه که از متون درسی فلسفی حوزه و دانشگاه به شمار می‌رود از دیگر آثار وی می‌باشد.

آثار این علامه‌ی فرزانه به زبان پارسی از این قرار است: شیعه در اسلام، قرآن در اسلام که به بحث درباره‌ی مباحث قرآنی از جمله نزول قرآن، آیات و غیره پرداخته، وحی یا شعور مرموز، اسلام و انسان معاصر، حکومت در اسلام، سنن‌النبی درباره‌ی سیره و خلق و خوی پیامبر اسلام و ابعاد زندگی فردی و اجتماعی ایشان، علی و فلسفه الهی، خلاصه تعالیم اسلام، رساله در حکومت اسلامی، سب‌نامه خاندان طباطبایی.

آثار دیگر نیز از وی در دست است. از آن جمله اند: حاشیه بر کفایه که کتابی اصولی و رموزی استنباط است. مجموعه‌ی مذاکرات علامه با پروفیسور هانری کران که روه‌شگر شهیر فرانسوی بود و پیرامون چگونگی شیعه و مباحث اعتقادی، مذاکرات با علامه داشت. شیعه در اسلام که برای معرفی عقاید شیعه به‌طور عقلانی نوشته شده است. ولایت‌نامه که رساله‌ای عرفانی از وی است.

از شاگردان علامه طباطبایی می‌توان به مرتضی مطهری، حسین شب‌زنده‌دار، جهرمی، محمد جواد باهنر، محمد واعظ‌زاده خراسانی، مرتضی جزایری، محمدتقی مصباح یزدی، موسی صدر، داریوش شایگان، جواد آملی، سید محمد حسینی بهشتی، حسن حسن‌زاده آملی، محمود بند، سید عبدالله فاطمی‌نیا، عزیزالله خوشوقت، غلامحسین ابراهیمی دینانی، سید عزالدین حسینی زنجانی، محمدرضا نکونام، محمد محمدی گیلانی، محمد صادقی تهرانی، سید جلال‌الدین آشتیانی، علی قدوسی، اسدالله بیات زنجانی، محمد مفتاح، محمد اسماعیل صائنی زنجانی، ابراهیم امینی، دکتر جواد مناقبی، یحیی انصاری، سید

عبدالکریم موسوی اردبیلی، سید محمد علی موحد ابطحی، حسین علی منتظری،
 سید محمد حسین حسینی طهرانی، علی پهلوانی تهرانی، ناصر مکارم شیرازی،
 حسین نوری همدانی، سید علی خامنه‌ای، سید محمد خامنه‌ای، سید حسین
 نصر، حسین مظاهری، علی اصغر کرباسچیان، محمدرضا مهدوی کنی، محمد
 کریم پارسا، محسن مجتهد شبستری، عباس محفوظی، سید صابر جباری، سید
 محمد شاه‌راغی، سید محمد ضیاءآبادی، مجتبی تهرانی، علی الهامی کلوانق،
 ابراهیم بصلی و خوئینی زنجان‌ی اشاره داشت.

سروده‌ی زیر نمونه‌ای است که از سروده‌های عرفانی اوست که در ادامه می‌آید.
 در این سروده تنها یک راز، غیرپارسی (حلاج) وجود دارد.

همی گویم و گفته‌ام بر ما

بود کیش من مهر دلدارها

پرستش به مستیست در کیش مهر

بروند زین جرگه هشیارها

به شادی و آسایش و خواب و خور

ندارند کاری دل‌افکارها

به جز اشک چشم و به جز داغ دل

نباشد به دست گرفتارها

کشیدند در کوی دلدادگان

میان دل و کام دیوارها

چه فرهادها مرده در کوه‌ها

چه حلاج‌ها رفته بر دارها

چه دارد جهان جز دل و مهر یار

مگر توده‌هایی ز بندارها